

بسم الله الرحمن الرحيم

محمد مصطفی؛ بشری مثل ما

(قسمت دوم)

حصر اطاعتِ رسول الله از وحی منزل

در رابطه با اطاعت رسول الله محمد مصطفی از وحی (قرآن کریم) آیات زیادی وجود دارد، و اطاعت و آمادگی اطاعت رسول از وحی جزو وظایف اولیة رسول بحساب میآید و ممکن نیست که ایشان از آیات قرآن سرپیچی کند، و اصلاً الگو و نمونه بودن رسول در اطاعت بیشتر او از وحی و اجراء و چگونگی اجرای بهتر آن میباشد، و این امر نیازی به اثبات ندارد. بعد از عمل به آیات قرآن، ابلاغ مبین آیات قرآن قرار میگیرد، و ابلاغ مبین دومین وظیفه اساسی رسول اکرم است، و به تبعیت از این حرکت محمدی، که مبنی بر آیات قرآن است، همه مسلمین موظف به اعمال آیات قرآن و تبلیغ مبین آنها هستند. در این مطلب از آیات متعدد درباره اطاعت رسول از وحی (قرآن) میگذریم، و تنها دو آیه را در مورد «اطاعت انحصاری» محمد «ص» از وحی (قرآن) ارائه میدهیم، امری که بیانگر موحد بودن رسول اکرم و ابدیت و فراگیری آیات ربانی و عدم مطلقیت و محدود بودن ما دون آیات قرآن و علم بشری است. قرآن مبین در سوره اعراف آیه ۲۰۳ اطاعت انحصاری محمد «ص» از وحی (قرآن) را بدین صورت بیان میدارد:

وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بِآيَةٍ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ: «و اگر برایشان آیه‌ای نیاوردی و یا در ارائه آیه‌ای تأخیر کردی، همانا معاندین مشرک میگویند که آنچه از آیات قرآن عرضه

می کنی ، ساخته و پرداخته خودت میباشد و از نفس خود سخن میگویی! ، ای محمد در جواب این مشرکین خیره سر اعلام کن که : من بجز از علم خالقم و آیات قرآن که بر من وحی و نازل میشوند تبعیت و اطاعت نمی کنم (و تقدیم و تأخیر آیات دست من نیست) ، این آیات قرآن ، بصیرتها و نورهای روشنگر خالقتان و هدایت کننده به صراط مستقیم توحید و مایه خیر و رحمت برای اهل ایمان و اسلام هستند . این آیه توحیدی دارای نکات بسیاری است ، اما آنچه لازم است در اینجا روی آن تأکید شود اینست که این آیه دو اصل را بصراحت اعلام میدارد : یکی از این اصول اینست که محمد «ص» برای جواب به سوالات و قانونگذاری ، به خود و نظریات خود متوسل نمیشود ، و علیرغم فشار و هیاهوی مشرکین ، منتظر وحی میماند ، تا آنچه وحی و علم الهی اقتضاء نماید ، به مردم ابلاغ کند . و این همان کار رسول است ، زیرا کار رسول ، رساندن پیام الله است نه ابلاغ نظریات خودش! ، و نظریات رسول تنها در میدان اجراء و اجتهاد مطرح میشوند و نمیتوانند پایه رسالت باشند . رسولان نزد خود چیزی از علم غیب ندارند تا اساس نبوت قرار گیرد ، و در خود دین توحیدی اسلام ، نظرات و اجتهادات رسول ، بعنوان حدیث مشهور شده اند ، که بعد از تثبیت قرآن و در قرن دوم و سوم هجری مدون گشته اند ، و بدلیل مرگ صحابه رسول و شفاهی بودن حدیث و جریان جعل حدیث و ظهور پدیده اختلاط ، از نظر اعتبار ، با درجات مختلف عرضه شده اند . اینست که رسول اکرم برای مسلمین دارای دو بعد است: یکی بعد پیامبری و رسولی ، که در این بعد ، آیات و قوانین الله را به بشریت رسانده است ، و بعد دیگر ، رهبری و زعامت ایشان است ، که طی ۲۳ سال تلاش و جهاد برای تحقق و استقرار توحید بوقوع پیوسته است . و آیاتی که امر به اطاعت از الله و رسول (و نیز اولی الامر) میکنند ، همین دو بعد نبوت و رهبری را منعکس می سازند . و حضرت رسول که صادق و امین است ، نمیتواند چیزی را از خود بنام وحی و علم غیب به مردم تحویل دهد ، زیرا چنین کاری نه کار رسول ، بل کار شیادان و کذابان است . البته بدیهی است که رسول اکرم با توجه به اینکه حرکت و رهبری اش زیر نظر وحی

بوده و خودش هم مستقیماً گیرندهٔ وحی (قرآن) بوده است، رهبری ایشان و نظریات و اجتهاداتش دارای ویژگیهای منحصر به فردی میباشد، و تا ابد الآباد مسلمین را متأثر خواهد ساخت، و سنت مسلم نبوی دومین منبع اسلامیت شده است. اما با وجود اینها، محمد «ص» یک انسان است و علم او در محدودهٔ علم بشری قرار دارد و نمیتوان آن را به پای وحی و علم الله رساند. همانطور که اجتهاد و نحوهٔ اجرای بعضی از آیات و احکام اسلامی هم به ناچار محدود در زمان و مکان می باشد. اصل دوم که در این آیه لایق تأکید است، و این اصل در آیات زیادی آمده است، اطاعت انحصاری رسول الله از وحی و علم الله است، که بیانگر مَوْحِد بودن محمد مصطفی و تکیهٔ اساسی ایشان به وحی مُنزل و علم خالقش و عدم اتکای اساسی به اجتهادات خودش در قانونگذاری میباشد. چنین روشی، که قرآن آن را بیان داشته و رسول اکرم نیز بدان پایبندی نشان داده، باید سرمشق و الگوی همهٔ مسلمین در همهٔ زمانها و مکانها باشد.

در سورهٔ احقاف آیهٔ ۹ همین موضوع و حصر اطاعت رسول از وحی (آیات قرآن) چنین آمده است: **قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِّنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنِ اتَّبَعُوا إِلَّا مَا يُوْحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ**: «بگو و اعلام کن (ای محمد) که من اولین رسول الله نیستم!، و من نمی دانم که در رابطه با من و شما چگونه عمل میشود و سرنوشت من و شما چه میشود!، من تبعیت و اطاعت نمی کنم

بجز از وحیی که برایم میآید، و من نیستم جز بیدارگری روشن و آشکار». در این آیه نیز همه چیز بروشنی بیان شده و حقانیت وحی قرآنی و امین بودن رسول اکرم سرپای این آیه را فرا گرفته است، و جز تبریک بی پایان بر مسلمین که دارای کتاب قرآن و پیرو پیامبری همچون محمد «ص» هستند، چه چیزی میتوان گفت. در این آیه، جهت تفهیم موضوع پیامبری و ریشه دار بودنش، بصراحت اعلام شده که رسالت ایشان یک بدعت و کار تازه‌ای نیست، بلکه ادامهٔ نبوت توحیدی و اسلامی است. بعد بصراحت اعلام شده که حتی خود رسول نمیداند که سرنوشت ایشان یا سرنوشت مخاطبانش چه خواهد شد و الله با آنها چه رفتاری خواهد

نمود . و این مسئله بیانگر این واقعیت است که خود رسول هم ، همانند دیگران ، با ترازوی عدل الهی سر و کار پیدا خواهد کرد ، و برتری ایشان نیز وابسته به التزام و تقوای بیشتر و اعمال مخلصانه تر است ، و نبی اکرم تنها با توجه به آیات قرآن و سرنوشت انبیاء و صالحان و اهل تقوی، میتواند سرنوشت خود را پیش بینی بکند . نکته دیگر که در این آیه (مانند آیه قبله -سوره اعراف: ۲۰۳) بصراحت اعلام شده ، اطاعت انحصاری رسول الله از وحی و آیات قرآن است ، که بیانگر موحد بودن ایشان و عدم تکیه اساسی به اجتهادات خودش میباشد . در آخر آیه هم صراحتاً اعلام میشود که رسول کاره‌ای نیست و همه چیز دست الله و خالق بشریت است . ایشان تنها پیام آور و بیدارگر بشریت است ، و این مأموریت توحیدی (نبوت) و رسالت بیدارگری ، بنابر گزینش الهی به او سپرده شده است .

حَصْرِ اِنْدَارِ و اِتْمَامِ حِجْتِ از طَرِيقِ وْحِی مَنْزَلِ

حقا که میبایست این بحثها لااقل برای مسلمین غیر ضروری باشند ، اما متأسفانه چون اسلامیت نیز از دینی و حیانی و مبنی بر علم و وحی الهی به دینی بشری و مبنی بر نظرات و آرای بشر مبدل شده! و قرآن بعد از همه چیز و همه آراء قرار گرفته است ، این بحثها به ضروریتترین بحثها تبدیل شده اند ، و برای بازگشت قرآن و بینش توحیدی به روح و عقیده و حیات مسلمین و جوامع اسلامی، و ذهن و فکر مسلمین نیاز به یک بازسازی اساسی دارد . اهل جهل و شرک و عناد برای « منزوی کردن قرآن » و « اصل کردن عقاید خرافی و غیرتوحیدی و تفرق آفرین » بهانه های مختلف و سخیفی ذکر کرده اند و حتی قرآن را غیر قابل فهم تبلیغ نموده اند! ، همان قرآنی که خودش را مُبین اعلام کرده و آیاتش را سهل و آسان ابلاغ نموده و مخاطبانش هم ناس و همه اقشار انسانی است . در قرآن مبین در صدها آیه ، معنا و حکمت رسالت و نبوت اعلام شده و عبارت از رساندن پیام و قوانین الله به بشر دانسته شده است . بنابراین ، در رسالت توحیدی ، رسول الله موظف است که پیام و قوانین و آیات الله را امینانه به ناس و بشریت برساند و آنها

را به صراط مستقیم توحید دعوت نماید ، و در رأس همه خودش بدان ملتزم و پایبند باشد و الگو و نمونه دیگران شود ، بدون اینکه خودش را مصدر و قانونگذار جا بیندازد و یا در قوانین الله دخل و تصرف نماید . و رسول یعنی همین! ، رسول یعنی نامه رسان! ، نبی یعنی خبر رسان! ، او یک انسان است ، یک انسان صالح و امین ، و لایق اخذ و رساندن آیات الله و دارای استعداد اُسوه شدن لِّلْمُسْلِمِينَ . و در قرآن محفوظ ، پیامبر صدق و توحید ، محمد مصطفی ، به کرات چنین معرفی شده است : **إِنَّ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ** : « من نیستم جز بیدارگر و بشارت دهنده برای آنهایی که ایمان می آورند (و زمینه گرویدن به اسلام را دارند) » . با وجود همه این واقعیات واضح ، در همین رابطه آیه ای از قرآن ذکر میکنیم که فصل الخطاب این اصل باشد که رسول اسلام وظیفه اش رساندن قوانین الله به بشریت ، بدون کم و کاست و بدون اینکه خودش و کلام خودش را مصدر نماید . قرآن منزل در سوره انبیاء آیه ۴۵ به نبی اسلام اعلام میکند که تنها بوسیله وحی و آیات قرآن ، مردم را انداز و بیدار نماید ، و فقط آیات الله (وحی - علم الله) باید مبنای اتمام حجت به مردم باشند . زیرا غیر از وحی و علم الله قطعی محسوب نمیشود . اما امری که متکی به وحی و علم غیب باشد ، قطعی و نهایی و فصل الخطاب میباشد ، و انداز - اتمام حجت (بیدارسازی توحیدی) تنها بوسیله وحی الهی و آیات قرآن میسر است ، که جزو علم نامحدود الله است . و هر علم و امری که ما دون وحی و علم غیب باشد و جزو علم و آگاهی بشری باشد ، لیاقت حجت و سخن نهایی بودن را ندارد و نمیتواند علم قطعی تلقی گردد ، خصوصا وقتی که امر و مسئله ای ما فوق زمان و مکان باشد و بشر با آن درگیر و روبرو نباشد . به نص آیه در این رابطه توجه فرمایید :

قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصَّمْعُ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ : « بگو و اعلام کن یا محمد که من تنها بوسیله وحی (قرآن) شما را بیدار و آگاه میسازم ، هر چند انسانهای گر (معاند و کینه توز یا اهل فسق و فساد) آماده شنیدن حق و توحید نیستند و با دعوت و راهنمایی بیدار و هوشیار نمیگردند » . این آیه مبین ، آشکارا

اعلام میکند که نبی اسلام تنها از طریق وحی منزل به مردم اتمام حجت کرده و خودش چیزی ما فوق بشری نداشته است. و چون محمد «ص» از نظر علم و معلومات بشری مثل سایرین بوده، بدیهی مینماید که عند النفس در مورد امور بسیار مهم دنیا و آخرت و قوانینی که برای ابد باید محفوظ و جاری باشند سخن نگوید و به مردم اتمام حجت نکند. چنین اخبار و مواضعی تنها با پشتوانه آیات الهی و وحی الله قابل دسترسی هستند، و یک انسان ولو دارای لیاقت عالی و فهم منحصر به فرد و روحی تزکیه شده باشد، باز هم یک بشر است و دارای همان محدودیتهای بشری است و نمیتواند مصدر امر و علم نهایی باشد. و پیامبر اسلام هم نمونه یک بشر واقعی است، و به غیر از آیات قرآن که به او وحی شده، چیزی ما فوق بشری از طرف الله دریافت نکرده است.

وضعیت و موضع محمد «ص» قبل از بعثت

موضوعات فوق الذکر، که بر پایه استناد به آیات قرآن بیان شده اند، ابعادی از ماهیت و شخصیت رسول اکرم را توضیح میدهند. اما جهت وضوح هرچه بیشتر ماهیت و شخصیت پیامبر توحید و صداقت، وضعیت حضرت رسول را در مرحله قبل از بعثت نیز، با تکیه بر آیات قرآن، مطرح می سازیم، تا این بحث روشنتر گردد و شناختی کلی از رسول اکرم در سایه آیات قرآن بدست آید. قرآن منزل در سوره ضحی آیات ۶ و ۷ و ۸ در مورد وضعیت اجتماعی و فکری و اقتصادی پیامبر اسلام، قبل از بعثت چنین اعلام میدارد: **أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ**: «آیا الله شما را یتیم و بی سرپرست نیافت؟ و بعد شما را مأوی و مکان نبخشید؟ (بله چنین بود. سؤال تقریری)، همچنین الله شما را بی راه و خط یافت و سپس شما را به صراط مستقیم توحید هدایت کرد، علاوه بر این، الله شما را در فقر و مشقت دید و بعد شما را غنی و بی نیاز ساخت». بنابراین این: **فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ**: «پس، بر پایه اصل شکرگذاری، یتیمان را مقهور و شکسته مگردان و سائلان و محتاجان را به ناکامی از خود دور مساز و نسبت به نعمتهای پروردگارت زبان گشا و شکرگذار

باش». اینست وضعیت اجتماعی و فکری و اقتصادی محمد مصطفی «ص» قبل از بعثت و نبوت توحیدی و آزادیبخش و عدالت گستر.

در سوره شورا آیه ۵۲ نیز قضیه هدایت و ایمان محمد مصطفی «ص» چنین مطرح شده است: **وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَنْ نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ**: «و اینچنین قرآن حیاتبخش را به تو وحی کردیم، ای محمد قبل از بعثت و شروع رسالت نه کتاب را میشناختی و نه میدانستی ایمان و اسلامیت چیست!، و لیکن قرآن را نوری برای حرکت و روشنایی افکار قرار دادیم، هر که را بخواهیم (قوانین الهی اقتضا کند) به صراط مستقیم توحید هدایت میکنیم، و تو ای محمد به تأکید بشریت را به صراط مستقیم توحید دعوت و هدایت میکنی». بله چنین است ابعادی از سرگذشت و سرنوشت رسول بزرگوار اسلام، از زبان قرآن!، و از منبع پاک و محفوظ توحید!، همان محمدی که حتی در دوره نبوت نیز بارها از طرف خالقش مورد عتاب و سرزنش قرار گرفته است، و مجموعه آیاتی که رسول را مورد عتاب و سرزنش قرار میدهند به آیات «عتاب» معروف شده اند، همان محمدی که حتی مسائل خانوادگی و وضع همسرانش هم در کمال صداقت در آیاتی از قرآن بیان گردیده است، و بالاخره همان محمدی که در قرآن به مثابه الگوی مسلمین و غمخوارتر از خود مسلمین نسبت به مسلمین! معرفی شده و شخصیتی است که نمونه عملی آیات قرآن میباشد، و کسیکه در میدان ارزشها و انضباط دینی و ظرفیت، قرآن مبین او را چنین معرفی میکند: **إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ**: «ای محمد به تأکید که دارای خلق و رفتارهای عظیمی هستی». بگذریم از همه تواناییها و لیاقتها و فداکاریهای محمد مصطفی و دیگر فضایی که رسالت و بعثتش برای تکمیل و تحقق آنها بوده است.

اینست خلاصه ای از ماهیت رسول و رابطه اش با علم غیب و اطاعت انحصاری اش از وحیی که بر او نازل شده و تنها و تنها منحصر به قرآن و آیات قرآن است و بنابر تصریحات فوق الذکر، خارج از قرآن کلمه ای از وحی و علم غیب وجود ندارد. با

مطالعه این موضوعات مختصر ، کسان و بزرگانی که بعد از محمد قرار میگیرند ،
وضعشان مشخص تر میشود! ، وقتی محمد بشری مثل ماست ، شاگردان و پیروان
وحیی که بر محمد نازل شده ، وضع و حال و ماهیتشان بلا ابهام میگردد و
صحبت در مورد علم و ماهیت فوق بشری آنها!!! بحثی اضافی بحساب می آید .
و آنچه برای درجه و رتبه هر کسی باقی می ماند ، میزان تقوی و انضباط دینی و
اندازه خدمت و تلاشی است که هر کس و شخصی ، به تناسب آن ، پاداش داده
میشود ، و بعد از الله رب العالمین همه در ماهیت بشری برابر هستند .
قابل ذکر است که این بحث به قصد بازسازی ذهنیت مسلمین و غیر مسلمین
در رابطه با شخصیت توحیدی محمد مصطفی ارائه شده است نه اثبات فضیلتها
و فداکاریها و تلاشهای رسول اکرم ، و نه جهد و جهاد ۲۳ ساله رسول الله در راه
ابلاغ دین اسلام و استقرار آیات توحیدی و ارزشهای توحیدی و فرهنگ توحیدی
و تأسیس امت واحده و خلافت مردمی .

سازمان موحدین آزادیخواه ایران

۱۷ جمادی الثانی ۱۴۲۴ - ۲۴ مرداد ۱۳۸۲

محمد مصطفی : بشری مثل ما
۲ جمادی الثانی ۱۴۲۴ - ۱۰ مرداد ۱۳۸۲